

سنگسار، شکل خاص ستیزه جوئی رژیم اسلامی با جنبش زنان ایران

دستگیری ها، تشکیل دادگاه ها، تعیین نوع جرم ها و سپس مشخص کردن نوع مجازات ها از جمله اعدام های زنجیره ای که همچنان ادامه دارند، نشانگر موضع رژیم اسلامی نسبت به کلیه جریان های اپوزیسیون داخل کشور می باشد. در پی رشد جبهه سوم در ایران که در آن، موضع مردم بسیار مترقی تر از موضع طرفداران خاتمی و اصلاح طلبان بوده، رژیم همواره به دنبال زهرچشم گرفتن از مردم و سرکوب کردن این جنبش بوده است. در این مسیر، جناح «دموکرات» درون رژیم نیز با بنیادگرایان کاملاً همصدا گشته است.

زنان که از پیش از روی کار آمدن خاتمی، یکی از فعال ترین اقشار جامعه در مبارزات اجتماعی و سیاسی بر علیه رژیم بوده اند، همواره در مراحل بعدی نیز از پیشروان جنبش مخالف جناح بنیادگرا و سپس جناح خاتمی گردیدند. زنان ایران پس از شکست جنبش دانشجوئی که خود، پایه محکمی از آن بودند، تا کنون آرام ننشسته و به گزارش دستگاه های خبری خود رژیم، بطور مرتب در سطح کشور در حال اعتصاب و تظاهرات بوده اند.

رژیم اسلامی که ادامه حیات خود را در سرکوب هر بیشتر نیروهای مبارز مردمی می بیند، در این مقطع سرکوب زنان را به روشی مشخص و مستقیم لازم تشخیص می دهد.

سنگسار، به عنوان حربه ای مستقیم برای مبارزه رو در رو با جنبش زنان پیشرو جامعه ایران در این مرحله، به مفهوم ترس این رژیم از قدرت محرکه زنان بر علیه کل نظام می باشد.

وظیفه تشکل های مستقل زنان و پیشروی کارگری در این مقطع، ایجاد یک پیوند و آماده شدن برای مقاومت و مبارزه با این روش دوران بربریت جمهوری اسلامی در ستیزه جوئی با مبارزات حق طلبان زنان ایران می باشد.

آگاه کردن سایر زنان از اهداف دولت و جذب آنها به این پیوند، یکی از حیاتی ترین حرکت های این جنبش بوده و کار متشکل آنان، بخصوص در پیوند با پیشروی کارگری، می تواند صدای آنها را بگوش همه در جهان برساند.

وظیفه نیروهای مترقی خارج کشور هم سپس این خواهد بود که برای اینگونه مبارزات زنان در ایران تبلیغ نموده و از سازمان های مترقی زنان و سازمان های کارگری در سطح بین المللی کسب حمایت و همبستگی نمایند.

آماده شدن برای این مقاومت و مبارزه با عملکردهای رژیم، در اینجا به این معنی است که زنان عملاً نیاز به ساختن کمیته های مخفی برای دفاع از خود دارند و می باید در برابر حرکت رژیم بطور متحد و برنامه ریزی شده، بلند شده و عملاً اعتراض کنند. مثلاً در مورد حکم سنگسار، قبلاً از محلی که قرار است حکم در آن به اجرا در آید، مطلع شده و با برنامه قبلی که کمیته مشخص می کند، در محل جمع شده و به اعتراض جلو رفته و عملاً از اجراء حکم ممانعت کنند. یا به محل صدور حکم، جایی که قاضی مربوطه نشسته رفته و محل را در محاصره خود در آورند و خواهان تغییر رأی دادگاه شوند.

منظور اینکه، در این مرحله از مبارزه با رژیم، دیگر زنان ایران نمی بایستی منتظر افراد یا جریان هائی بشوند که بیاید و از حقوق انسانی و حق حیات آنها دفاع کند. در طول این چند سال باید متوجه شده باشیم که تنها با اعتماد به قدرت خود و قدرت اتحاد خود است که می توانیم جلوی یورش های رژیم را بگیریم، نیروی دیگری در عمل وجود ندارد. از این پس هر چه صبر و تحمل ما در برابر یورش های رژیم اسلامی بیشتر شود، جسارت و دریدگی رژیم نیز بیشتر خواهد شد و باور خواهد داشت که با این اعمال خواهد توانست بر عمر حکومت خود بیافزاید.

زنان ایران با انتخاب خاتمی، آخرین شانس را به این رژیم دادند تا از موقعیت خود دفاع کند. اکنون دیگر جایی برای صبر و بردباری نیست که توبه گرگ مرگ است!